

شخصیتی تراژیک که قهرمان نیست

شبکه 3 سیما هفته قبل یکی از اپیزودهای مجموعه تلویزیونی «بازرس مورس» به نام «برخ مردگان» (ساخته جان مدن) را به صورت یک فیلم سینمایی نمایش داد.



اپیزودهای مختلف سریال «بازرس مورس» در قالب فیلم های مستقل از تلویزیون پخش می شود
شخصیتی تراژیک که قهرمان نیست

جام جم آنلاین: شبکه 3 سیما هفته قبل یکی از اپیزودهای مجموعه تلویزیونی «بازرس مورس» به نام «برخ مردگان» (ساخته جان مدن) را به صورت یک فیلم سینمایی نمایش داد.

این چندمین بار بود که یکی از اپیزودهای مستقل این مجموعه به عنوان فیلمی سینمایی به روی آنتن رفت. مطلب زیر به این بهانه نگاهی دارد به مجموعه موفق تلویزیونی بازرس مورس و در دل آن به توضیح این نکته می پردازد که چگونه اپیزودهای این کار تلویزیونی می تواند به صورت فیلم های سینمایی مستقل هم به نمایش درآید.

شاید کمتر کسی بداند جان مدن، فیلمساز مطرح و غیرمتعارف سینمای انگلستان که در کارنامه اش فیلم هایی مثل «بدهی»، «شکسپیر عاشق»، «مدرک» و «ماندولین کاپیتان موری» را دارد، یکی از کارگردانان اصلی مجموعه درام و پلیسی بازرس مورس است. او در یکی از گفت وگوهای خود اعلام کرد همکاری با مجموعه تلویزیونی یکی از افتخارات بزرگ کاری و حرفه ای اوست. در حقیقت، تونی وارن فیلمنامه نویس سرشناس تلویزیونی زمانی که قرار شد قصه نوول های معروف جنایی کالین دکستر به نام بازرس مورس را تبدیل به یک مجموعه فیلمنامه کند، جان مدن را به عنوان کارگردان اصلی این مجموعه تلویزیونی در ذهن داشت. رسانه های گروهی از تونی وارن به عنوان خالق تصویری مجموعه بازرس مورس اسم می برند، در حالی که خالق معنوی و نوشتاری آن کالین دکستر 80 ساله است. این مجموعه خیلی سریع توانست به صورت یکی از پربیننده ترین کارهای تلویزیونی انگلیسی در ژانر درام کارآگاهی درآید و این در حالی بود که سازندگان و تهیه کنندگان آن تا حد زیادی به حال و هوا و قصه نوول های پرخواننده دکستر وفادار ماندند. منتقدان تلویزیونی یکی از دلایل استقبال بالای تماشاگران از مجموعه بازرس مورس را در همین وفاداری صادقانه می دانند.

بازرس مورس به روایت دکستر

بحث تولید یک مجموعه دنباله دار تلویزیونی از ماجراجویی های مجموعه نوول کالین دکستر اولین بار در سال 1986 مطرح شد. این اتفاق زمانی رخ داد که مجموعه کتاب های پلیسی و دلهره آور دکستر در ارتباط با ماجراجویی های بازرس مورس میلیون ها خواننده داشت و عموم مردم و تماشاگران تلویزیونی، قصه های آگاتا کریستی (و از جمله «پوآرو») را خوانده و روی صفحه کوچک تلویزیون دیده بودند. به همین دلیل، تهیه کنندگان بازرس مورس اطمینان داشتند که تولید یک مجموعه تلویزیونی درباره این کارآگاه سرسخت و نکته سنج می تواند بینندگان بی شماری را جذب خود کند. خط اصلی قصه مجموعه - که در هر اپیزود با داستان و ماجراجویی های جدیدی همراه می شد - درباره یک مامور عالی رتبه و کارکشته اداره پلیس به نام بازرس مورس است که همراه با معاون همیشگی خود گروهان لوئیس، راهی محل هایی می شدند که در آنها حادثه یا جرمی اتفاق افتاده است. مورس و لوئیس در طول قصه به حل معماهایی می پردازند که حول و حوش آن ماجرا به وجود آمده و با حل این معماها، کلید اصلی حل ماجرا را پیدا می کنند. جان تاو، بازیگر معروف تلویزیونی انگلستان در این مجموعه نقش مورس را بازی کرده و کوین واتلی هم گروهان لوئیس قصه است. خود کوین دکستر، خالق اصلی ماجراهای مجموعه کتاب و مجموعه تلویزیونی آن هم در چند اپیزود تلویزیونی به عنوان بازیگر مهمان در نقش های کوتاهی ظاهر شد.

بازرس مورس اولین بار در سال 1987 روی آنتن رفت و فصل اول آن جزو پربیننده ترین کارهای تلویزیونی شد. سازندگان مجموعه قبل از پخش عمومی مجموعه نسبت به پربیننده شدن آن اطمینان کامل داشتند، زیرا از بهترین عوامل سینمایی و تلویزیونی برای تولید محصول خود کمک گرفته بودند. به همین دلیل، آنها همزمان با شروع پخش فصل اول مجموعه، کار نگارش و آماده سازی فیلمنامه های فصل های بعدی را آغاز کرده بودند. همزمان با استقبال تماشاگران از بازرس مورس، تهیه کنندگان خبر تولید فصل دوم آن را اعلام کردند. این در حالی است که به دلیل طولانی بودن زمان هر اپیزود مجموعه، تولید آن حال و هوایی سینمایی داشت و گروه سازنده کار خود را به گونه ای انجام می دادند که انگار در حال تولید و ساخت یک فیلم سینمایی هستند و نه تولید اپیزودهای یک مجموعه تلویزیونی. داستان های دکستر، پر حجم و طولانی هستند و همین مساله باعث شد تا تهیه کنندگان بازرس مورس تصمیم بگیرند به زمان طولانی رخدادهای قصه های این نویسنده وفادار بمانند. به این ترتیب، طول زمانی هر یک از اپیزودهای مجموعه «بازرس مورس» بین 100 تا 110 دقیقه شد و جالب این که تماشاگران هیچ وقت از طولانی بودن زمان مجموعه شکوه نکردند. این در حالی است که به صورت معمول زمان مجموعه های تلویزیونی بین 45 تا 60 دقیقه است و بیشتر از این نمی شود.

طول زمانی بالای اپیزودهای بازرس مورس امکان پخش مستقل آنها به صورت فیلم‌های سینمایی متفاوت و مستقل هم فراهم کرد.

اقتباس تصویری از داستان‌های خواندنی

موفقیت ماجراجویی‌های بازرس مورس در محدوده آکسفورد شهر لندن و توانایی او در حل پرونده‌های مرموز قتل و جرم و جنایت باعث شد تا 12 فصل مجموعه بازرس مورس در فاصله سال‌های 1987 تا 2000 تهیه شود. با احتساب فاصله‌های زمانی چندماهه‌ای که بین تولید فصل‌های جدید و بعدی مجموعه پیش آمد، در کل 33 اپیزود 100 دقیقه‌ای (که گاهی این زمان تا 120 دقیقه هم افزایش می‌یافت) تهیه و پخش شد. سازندگان مجموعه از همان ابتدای کار به سراغ مطرح‌ترین و تواناترین چهره‌های هنری انگلیس رفتند و دکستر، خالق مجموعه داستان‌های بازرس مورس هم همکاری نزدیکی با این مجموعه کرد. این نویسنده جنایی‌نویس یک بار در گفت‌وگویی اظهار کرد: «#171؛ حال و هوا و قصه قسمت‌های مختلف نوول من تصویری بود و هنگام نگارش آن خودم احساس می‌کردم در حال انجام یک کار هنری و تصویری هستم و نه یک قطعه ادبی. این نکته‌ای بود که خوانندگان داستان‌ها و منتقدان ادبی هم به آن اشاره کرده بودند. می‌دانستم روزی این قصه تبدیل به یک کار تلویزیونی دنباله‌دار می‌شود. وقتی تونی وارن، فیلمنامه‌نویس قدیمی تلویزیون با من تماس گرفت و گفت او و همکارانش قصد تولید مجموعه بازرس مورس را دارند، می‌دانستم آن را بدون نظر و مشاورت من جلوی دوربین نخواهند برد. از همکاری با این مجموعه خوشنودم و باورم این است که اقتباس تصویری خوب و قابل قبولی از نوشته‌هایم کرده‌اند.»

فیلمنامه اولین اپیزود مجموعه به نام «#171؛ مرگ جریکو» (که پیش از این به صورت یک فیلم سینمایی از شبکه 3 پخش شده) را آنتونی مینگلا نوشت، کسی که مدتی بعد به صورت یکی از بهترین فیلمسازان مستقل سینمای انگلستان درآمد. این اپیزود در ایام تعطیلات کریسمس 1987 پخش شد، ایامی که از آن به عنوان بهترین زمان برای معرفی خوب یک مجموعه تلویزیونی اسم می‌برند. پخش هر اپیزود مجموعه با احتساب آگهی‌های تلویزیونی که در لابه‌لای صحنه‌های هر قسمت پخش می‌شد، حدود 2 ساعت طول می‌کشید و جالب است که تماشاگران تلویزیونی هیچ وقت نسبت به بالا بودن زمان پخش مجموعه اعتراض نکردند. تهیه‌کنندگان بازرس مورس در شرایطی 33 اپیزود آن را تولید و پخش کردند که داستان‌های ادبی دکستر در رابطه با ماجراجویی‌های بازرس مورس فقط 13 تا بود.

20 اپیزود دیگری که براساس ماجراجویی‌های مورس تولید شده، فیلمنامه‌های مستقلی بودند که تونی وارن و 5 فیلمنامه‌نویس تلویزیونی با مشاوره دکستر (و بر مبنای شخصیت مورس و حال و هوای حکایت‌های او) نوشتند.

نکته: مورس شخصیتی است که استعداد و هوش او در موقعیت‌هایی که مانع از نمایش توانایی‌هایش می‌شوند به هدر می‌رود و او نمی‌تواند خود را به مثابه یک قهرمان معرفی کند. همین نکته است که بر جذابیت بازرس مورس می‌افزاید و باعث شهرت او می‌شود. جان مدن، کارگردان اپیزودهای اول بازرس مورس می‌گوید: «#171؛ همکاری من با این مجموعه پس از کارگردانی 4 اپیزود به پایان رسید. از ابتدای کار هم قرار نبود تنها من کارگردانی اپیزودهای مختلف مجموعه را انجام دهم. هر اپیزود شبیه یک فیلم سینمایی با طول زمانی بالای 100 دقیقه بود. مطمئن نبودم تماشاگران تلویزیونی از مجموعه‌ای با این طول زمانی بالا استقبال زیادی کنند. همه عوامل کار حرفه‌ای بودند و به این مساله افتخار می‌کردیم که ما اولین گروهی هستیم که مجموعه‌ای تلویزیونی با معیارها و استانداردهای سینمایی می‌سازیم. تاریخ رسانه تلویزیون این افتخار را به نام ما ثبت کرد. حضور کارگردانان مختلف برای کارگردانی اپیزودهای مختلف مجموعه، حال و هوای ویژه‌ای به قسمت‌های مختلف آن داده و ماجراجویی‌های آنها را جذاب‌تر و متنوع‌تر کرده است. از بین 6 فیلمساز دیگری که اپیزودهای بعدی مجموعه را کار کردند، 2 اپیزودی را که در آغاز دهه 90 میلادی توسط دنی بویل (کارگردان فیلم اسکاری #171؛ میلیونر زاغه‌نشین) کارگردانی شد را بیشتر از بقیه می‌پسندم.»

تغییرات در شخصیت دستیار مورس

تونی وارن که وظیفه اصلی را در خلق مجموعه بازرس مورس داشت، حال و هوای قصه‌های دکستر را تا حدودی امروزی‌تر کرد تا تماشاگران تلویزیونی ارتباط راحت‌تری با آن برقرار کنند. به گفته او: «#171؛ دکستر اولین داستان بازرس مورس خود را در سال 1975 نوشت و حدود 10 سال بعد که ما می‌خواستیم نسخه تلویزیونی آن را تولید کنیم، شرایط اجتماعی و فرهنگی تغییراتی کرده بود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم بعضی قسمت‌های نوول و آدم‌های آن را تغییر دهیم. احساس کردم این تغییرات می‌تواند باعث جذب تعداد بیشتری تماشاچی به مجموعه‌مان شود. دکستر هم مخالفتی با این تغییرات نکرد و فقط گفت دست به ترکیب شخصیت بازرس مورس که شکل‌دهنده اصلی قصه‌هایش است، نزنیم. خوشبختانه او مورس را خیلی خوب و امروزی به تصویر کشیده بود و نیازی نمی‌دیدم که در او دخل و تصرفی کنم. اما در رابطه با شخصیت گروه‌بان لوئیس - همکار مورس - می‌خواستم کارهایی انجام دهم. او در قصه دکستر مردی اهل منطقه ولز با سن بالا بود که پیشینه‌ای در دنیای بوکس داشت. او را این‌گونه نمی‌پسندیدم. پس اصلیت او را عوض کردم و سنش را پایین آوردم و او را صاحب خانواده کردم. در این حالت، او و مورس زوج همکار خوب و مناسبی به نظر می‌رسیدند.»

جان‌تاو، بازیگر نقش بازرس مورس، این شخصیت را آدمی مستقل می‌داند که برگرفته از شخصیت‌های کلاسیک مثل جیمزباند یا شرلوک هلمز نیست و کاملاً متفاوت از آنهاست. او این شخصیت را موجودی متضاد و متناقض توصیف می‌کند که بازی در نقش آن بسیار دشوار و سخت بود و چنین ادامه می‌دهد: «#171;بازرس مورس آدمی هوشیار و خلاق است که نمی‌توانیم بگوییم همیشه حق با اوست و درست می‌گوید. خیلی وقت‌ها او آدم‌ها را اشتباهی دستگیر کرده و نتیجه‌گیری‌های غلطی می‌کند. به همین خاطر برعکس بسیاری از شخصیت‌های کلاسیک قصه‌های کارآگاهانه، او نمی‌تواند کار خود را درست و حسابی انجام دهد. از این نظر، مقایسه کردن او با کسانی مثل هلمز و جیمزباند یک اشتباه است. از آنجا که وی شخصیت غیر یکدستی دارد، بازی به جایی او هم با مشکل همراه است. شما در مقام بازیگر، با شخصیتی مشخص روبه‌رو نیستید که آن را در جلوی دوربین ارائه دهید. او آدمی پیش‌بینی نشده با یکسری اعمال غیرقابل کنترل است و باید خیلی هوشیار باشید که بتوانید این تنوع و تناقضات را به صورتی درست و منطقی بازی کرده و به نمایش بگذارید.»

شکست در زندگی شخصی

منتقدان تلویزیونی، شخصیت مورس را به عنوان آدمی ارزیابی می‌کنند که حال و هوای تازه‌ای در قصه مجموعه‌های پلیسی و کارآگاهی ارائه کرد که تا قبل از آن در دیگر کارهای مشابه این ژانر دیده نشده بود. به گفته آنها، مورس شخصیتی است که استعداد و هوش او در موقعیت‌هایی که مانع از نمایش توانایی‌هایش می‌شوند به هدر می‌رود و او نمی‌تواند خود را به مثابه یک قهرمان معرفی کند. همین نکته است که بر جذابیت بازرس مورس می‌افزاید و باعث شهرت او می‌شود. نوع شخصیتی که از مورس ارائه می‌شود (او به سلامتی خود اهمیتی نمی‌دهد و از آن غافل است، در خوردن و آشامیدن زیاده‌روی می‌کند، زندگی شخصی‌اش سرشار از شکست‌های پیش‌بینی نشده است و...) بیشتر او را به عنوان یک شخصیت تراژیک معرفی می‌کند تا یک قهرمان خوشفکر و بزن بهادر از نوع کلاسیک آن، مرگ مورس هم در اپیزود نهایی مجموعه به دلیل مشکل و ایست قلبی است که اشاره‌ای بر همین تراژیک بودن شخصیت او می‌کند. وی نه در جریان یک مأموریت سخت و درگیری با شخصیت‌های منفی قصه، که به دلیل یکی از مشکلات شخصی که دارد، می‌میرد. این نوع به پایان رساندن زندگی یک بازرس پلیس که شخصیت محوری قصه یک مجموعه است، کاملاً در تضاد با نوع شخصیت‌پردازی صورت می‌گیرد که به صورت معمول در مجموعه‌های مشابه می‌بینیم و منتقدان سینمایی تاکید زیادی روی این تفاوت می‌کنند.

موفقیت مجموعه تلویزیونی بازرس مورس باعث شهرت بیشتر تمام عوامل اصلی تولید آن شد. کارگردانان و 2 بازیگر اصلی مجموعه پس از پخش عمومی آن اعتبار بیشتری پیدا کردند، ولی برنده اصلی کوین دکستر نویسنده داستان‌های بازرس مورس بود. او که به طور اتفاقی در یک بعدازظهر بارانی یک روز تعطیل، شخصیت مورس را روی میز غذاخوری آشپزخانه منزل خود خلق کرد، بیشترین سود مادی و معنوی را از موفقیت نسخه تلویزیونی بازرس مورس برد. محبوبیت این مجموعه در بین مردم عادی، توجه عمومی را به نوول‌هایی جلب کرد که دکستر قبل از این نوشته بود و باعث فروش بیشتر آنها شد. تهیه‌کنندگان بازرس مورس در سال 2005 دنباله‌ای بر این مجموعه با نام «#171;لوئیس» تولید کردند. لوئیس که در یک اپیزود تهیه شد، کوین واتلی را در نقش لوئیس معاون مورس داشت. مدتی بعد 3 اپیزود دیگر هم در همین رابطه تولید و در سال‌های 2007 و 2010 به روی آنتن رفت. مدتی قبل اعلام شد قرار است سری جدید بازرس مورس با نام «#171;انداوور» (نام کوچک بازرس مورس) مقابل دوربین برود. قصه مجموعه نوعی پیش درآمد به قصه مجموعه اصلی است و ماجراهایش قبل از شروع قصه نسخه اصلی در سال 1987 اتفاق می‌افتد. کالین دکستر مشغول نوشتن سرفصل‌های اپیزودهای مختلف این مجموعه است. خط اصلی قصه مجموعه در سال 1965 اتفاق می‌افتد و مورس جوان را در روزهای دانشگاه دنبال می‌کند.

نقش مورس جوان را شاون ایوانز بازی خواهد کرد. نکته جالب درباره این مجموعه حضور ابیگیل تاو - دختر جان تاو- در یکی از نقش‌های اصلی است.

کیکاووس زیاری / جام جم